مجله مطالعات حقوق

شماره ۴۸،
دوره ۸،
سال ششم،
بهار ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۵

انعکاس اندیشه‌های روان‌شناسی جرم و جنایی پیرامون رفتار مجرمانه در رویه قضایی

ندا غلامپور[۱]

چکیده

اساساً روان‌شناسی جنایی علم مطالعه شخصیت بزهکاران و نیز روش‌های بازاجتماعی شدن آنان و بررسی نقش محیط (به معنای عام) بر رفتار مجرمانه است. به دلیل اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی انعکاس اندیشه‌های روان‌شناسی جرم و جنایی پیرامون رفتار مجرمانه در رویه قضایی، در قالب متدلوژی پژوهش تحلیلی-توصیفی به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های مستخرج از این نگاره که براساس تحقیقات مطالعات کتابخانه‌ای ترسیم گردیده، حاکی از آن است که در چارچوب فرایندهای دادرسی و صدور احکام در ادوار جاری، نیازمند آن هستیم تا مراجع قضایی صالح، ریشه‌های روان‌شناسی جرم را در هنگامه بررسی پرونده‌های قضایی با ژرفای بیشتری دنبال نمایند. زیرا این مقوله، عنصر بسیار مهمی است تا جاییکه گاهاً بتواند مسیر پرونده و دادرسی را به سوی واقع‌تر شدن رسیدگی، و عدالت ورزی فزون‌تری در دستگاه قضرهنمون شود. چه بسا آنکه در سالیان اخیر، نسبتاً انعکاسی از رویکردهای جرم‌شناسی با محوریت روان‌شناسی جرم در قاموس قضایی کشور، محسوس بوده، اما کافی نیست. پس می‌توان نتیجه گرفت که عوامل روانی در ارتکاب جرم تاثیر فراوانی داشته و همین امر موجب ارتباط هر چه بیشتر حقوق جزا با علم روان‌شناسی کیفری یا جنایی می‌شود. گفتنی است مهمترین چیزی که در بررسی شخصیت مجرمانه افراد مشهود است، باورهای غلطی است که در نهاد شخص مجرم نهفته شده که باعث می‌شود وی بر اساس لذت‌جویی و خواسته‌هایی که برگرفته از نهاد اوست میل به ارتکاب جرم پیدا کند و انگیزه‌هایی را که از نظر مادی برای خود ترسیم کرده به مرحله ظهور برساند. درواقع شخص بزهکار مکرر همه چیز را بر اساس معیار شخصی خودش بررسی و در محاسباتش افراد دیگر را لحاظ نمی‌کند. معیار اخلاقی خود اوست و این خود است که به عمل مجرمانه مشروعیت داده، در حالی که قضاوت دیگران یا قانون در ملاحظات او دخیل نیستند.

واژگان کلیدی: روان‌شناسی جرم، رفتارشناسی مجرم، پرونده شخصیت، اصلاح و درمان

۱- کارشناسی ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گلبهار، خراسان رضوی، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

روان‌شناسی به تمام جنبه‌های زندگی انسان، اعم از بعد عاطفی، عقلی، اجتماعی، اخلاقی، ارثی و در کل شخصیتی مربوط می‌باشد و به همین خاطر روان‌شناسان جدید با طرح پیشگیری از وقوع جرم و توجه به شخصیت مجرم و شیوه‌های بهسازی او باب تازه‌ای در مباحث جرم گشوده‌اند. این که چگونه می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد و چگونه می‌توان به علل و انگیزه‌هایی که موجب چنین حالتی در او شده‌اند پی برد زیرا پیشگیری همواره ساده‌تر از درمان است. پیشگیری بهتر از شفا دادن است در عصر ما افزایش بی‌رویه جرایم و ناکارآمد بودن شیوه اعمال کیفر در مبارزه علیه جرم، گرایش روز افزون به استفاده از نتایج تحقیقات روان‌شناسی و جرم‌شناسی و یافته‌های آن در پیش‌گیری از جرم را در سیاست‌گذاری جنایی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دولت‌ها غیرقابل اجتناب کرده است. به طوری که امروز اهتمام دولت‌ها به امر پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین براساس یافته‌های روان‌شناسی و جرم‌شناسی یکی از اقدامات مهمی است که از سال ۱۹۵۰ میلادی تحت حمایت سازمان ملل متحد در اغلب قوانین کشورهای مختلف جهان پیش‌بینی و پذیرفته شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، قانونگذار در بند پنجم از اصل ۱۵٦ این قانون جزا، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، را یکی از وظایف عمده‌ی قوه‌ی قضاییه قرار داده است. به طور کلی برای جلوگیری از وقوع جرایم و به طور اطمینان بخشی برای توفیق در این امر برای مقامات قضایی لازم و ضروری است که منابع و علل وقوع و درمان و پیشگیری جرایم را به طور دقیق مطالعه و بررسی گردد.

بنابراین، موضوع روان‌شناسی جنایی مطالعه چگونگی تشکیل شخصیت مجرمانه و علل و انگیزه‌های روحی و روانی برای ارتکاب جرم است. در این رهگذر به شاخه‌های دیگر روان‌شناسی نیز مثل روان‌شناسی عمومی، روان‌شناسی بالینی، روانکاوی و روانپزشکی نیز توجه می‌شود. انجمن روانشناسان و روانپزشکان با پیشنهادات خود در زمینه هایی مثل جنون و حالات روانی مجرم و غیره می‌توانند باعث اصلاح قوانین و اجرای هر چه بیشتر عدالت شوند. امروزه نقش روان‌شناسی و روانپزشکی کیفری در امر قضاوت، مورد تأیید همه صاحب نظران قرار گرفته است که بتواند تأثیرات اختلالات فردی مانند شخصیت ضد اجتماعی را در بزهکاری و میزان مسئولیت آن‌هاتعیین کند.

موضوع درگیری بیماران روانی با قانون و ارتکاب رفتار مجرمانه یکی از مشکلات رسیدگی‌های قضایی است. غالباً دادگاه‌ها با جلب نظر متخصصین روان‌شناسی و روانپزشکی رای خود را درباره متهم به اخلال روانی صادر می‌نمایند.آشنایی قضات و وکلا با اختلالات روانی و استفاده از نظریات روانشناسان و روانپزشکان قانونی مجرب می‌تواند از تضییع حقوق افراد و اعمال مجازات‌های بی‌مورد و نامتناسب جلوگیری کند. به همین منظور پژوهش در این گستره ژرف کاوی پیرامون روان‌شناسی جرم و رفتار مرتکب، رسالت نگاره حاضر خواهد بود.

تعاریف و مفاهیم

روان‌شناسی: واژه‌ی روان‌شناسی از ترکیب دو کلمه یونانی (سایک) به معنی روح و ذهن و (لوژوس) به معنی مطالعه یک موضوع به دست آمده است. روان‌شناسی به عنوان علمی برای مطالعه روان، از قدمت تاریخی زیادی برخوردار نبوده و پیشینه آن به عنوان یک نظام علمی، اندکی به بیش از صد سال می‌رسد و تا پیش از آن، از دوران باستان، شاخه‌ای از فلسفه محسوب می‌شده است. روان‌شناسی دانشی است که به بررسی رفتار و فرآیندهای روانی می‌پردازد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این‌جمله کوتاه تعریف روان‌شناسی به طور جامع را دربرمی‌گیرد. در روان‌شناسی، رفتار به کلیه عملکردهای بارز و قابل مشاهده فرد اطلاق می‌شود که توسط دیگران به وضوح قابل مشاهده باشد. فرآیند ذهنی، از دیگر مباحث اصلی روان‌شناسی، به اندیشه‌ها، هیجان‌ها، احساسات و انگیزه هایی که افراد تجربه می‌کنند می‌پردازد.فرآیندهای ذهنی بر خلاف رفتارها برای دیگران به وضوح و به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند. [۱]

روان‌شناسی جنایی: روان‌شناسی جنایی[۲] یکی از شاخه‌های رشته روان‌شناسی است که به طور تخصصی درزمینه جرم و مجرم با رویکردی روان شناختی کاربرد دارد.« روان‌شناس ی جنایی باتحقیق درباره کیفیت تشکیل شخصیت جنایتکاران و یافتن علل و موجبات بروز جرم، خاصه عوامل روانی جرم ز ا، به پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان می‌پردازد ودر تامین سعادت فردی و اجتماعی رسالت مقدسی بر عهده دارد».[۳]

روان‌شناسی جنایی چهار هدف عمده را دنبال می‌کند، یکی چگونگی شکل گیری شخصیت جنایتکاران، دیگری پیدا کردن ریشه و علل بروز جرم، سومین هدف، پیشگیری از رخ دادن جرم و چهارمین هدف آن، اصلاح و بازسازی افراد مجرم است. به عبارت بهتر روان‌شناسی جنایی در صدد است تا مشوق‌های بیرونی و درونی که فرد را به سوی ارتکاب جرم و بزه کاری سوق می‌دهد را شناسایی کرده و برای کاهش و از بین بردن اثر این قبیل مشوق‌ها، راه کارهای علمی ارائه نماید. بزه کاری عبارت است از: ترک انجام وظیفه‌ای قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاما عنوان جرم ندارد، لیکن این اصطلاح اغلب معادل جرم و به ویژه در ارتباط با جرایم ارتکابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می‌رود.[۴] تعریفی دیگر بزه مجموعه تخلفات جزایی است که افراد دریک جامعه مرتکب می‌شوند و بزه کاری نوجوانان مربوط به تخلفات در سنینی است که قوانین حدود آن را معین کرده است.[۵] دورکیم نیز در این ارتباط معتقد است: عمل وقتی بزه محسوب می‌شود که احساسات قوی و شخصی و وجدان جمعی (گروهی) را جریحه دار سازد، به این مفهوم که قضاوت جامعه درباره عملی، آن را جرم و بزه می‌سازد نه خصوصیات عینی آن عمل. پس بزه مفهومی بی‌نهایت نسبی و اجتماعی دارد. بدین ترتیب عملی برحسب زمان و مکان ممکن است بزه محسوب شود یا نشود.[۶]

روان‌شناسی شخصیت(تئوری): روان‌شناسی شخصیت اندیشه‌ها، احساس‌ها و رفتارهایی را بررسی می‌کند که سبک منحصر به فرد تک تک انسان‌ها برای ارتباط با دنیا را تشکیل می‌دهند. آن‌ها به تفاوت‌های شخصی علاقه‌مند هستند و تلاش می‌کنند تا همه فرایندهای روان‌شناختی را با یکدیگر ترکیب و ادغام کنند و از کل شخص، یک توضیح منسجم را ارائه دهند.[۷]در روان‌شناسی شخصیت، تعاریف مختلفی از شخصیت ارائه شده است که هر یک بر وجهی از شخصیت تأکید کرده‌اند. هیلگارد شخصیت را «الگوهای رفتار و شیوه‌های تفکر که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند» تعریف کرده است در حالی که برخی دیگر «شخصیت» را به ویژگی‌های «پایدار فرد» نسبت داده

۱- رستمی تبریزی،لمیاء،۱۳۹۳،روان‌شناسی جنایی،تهران،انتشارات مجد،صص ۱۶-۱۳.

۲ Criminal Psychology

۳- کی نیا، مهدی .۱۳۷۴ . **جرم‌شناسی**، مجتمع علمی فرهنگی مجد، تهران.ص ۱۲

۴- نجفی ابرند آبادی، علی حسین . ۱۳۷۷ . **دانشنامه جرم‌شناسی**، موسسه گنج دانش، تهران.ص۴۳

۵- منصور، محمود ۱۳۵۶ ، **زمینه بررسی بزه کاری کودکان و نوجوانان**، نشر مهر، تهران.ص ۲۷

۶- کی نیا، مهدی ۱۳۸۱ ، **روان‌شناسی جنایی**، جلد1 و2 ، انتشارات رشد.ص ۴۲

۷- گنجی، مهدی. دکتر حمزه گنجی، ۱۳۸۳ *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد*. ویراستار .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و آن را بصورت «مجموعه ویژگی‌هایی که با ثبات و پایداری داشتن مشخص هستند و باعث پیش‌بینی رفتار فرد می‌شوند» تعریف می‌کنند[1].

پیشینه پژوهش

جلیلیان در سال ۱۳۹۳ نیز طی مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش شخصیت وعوامل روانشناختی در وقوع جرم» به بررسی چند نظریه روانشناختی در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی افراد مجرم و بزهکارپرداخته است که در این رابطه نظریاتی از بقراط، آیزنک، زاکرمن، فروید، شخصیت ضد اجتماعی مجرمان، نظریه دلبستگی، عزت نفس و ارتکاب رفتارهای بزهکارانه مورد بررسی قرار گرفت و با مرور و مطالعه پژوهش‌های انجام شده در این رابطه نتایجی از جمله ارتباط اختلال شخصیت ضد اجتماعی، هیجان خواهی، نقش سبک‌های دلبستگی و رابطه محیط با جرم به بدست آمد. در پایان نتیجه‌گیری شد که تلفیقی از نظریه‌های روانشناختی در رابطه با جرم در کنار ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... آن می‌تواند تبیین بهتری از علل روانشناختی وقوع جرم ارایه دهد، دکتر تورج شمشیری نظام(۱۳۹۵)، متخصص اعصاب و روان (روانپزشک) درباره ترجمه کتاب «روان‌شناسی قضایی» نوشتهٔ «گری بی‌ملتن، نورمن جی پوی ترس، جان پیتریلا، کریستوفر اسلوبگن»، که به تازگی از سوی نشر میزان منتشر شده است چنین گفته است: حوزه روانپزشکی قانونی در حال گسترش و توسعه روز افزون است و نیاز به خوانش مجدد منابع وجود دارد. این کتاب بر دو گروه تاکید دارد: متخصصان بهداشت روانی که در اجرای ارزیابی‌های روان شناختی برای دادگاه‌ها مشارکت دارند و وکلا و قضاتی که خواستار چنین ارزیابی‌هایی هستند، هدف این کتاب فراهم نمودن راهنمایی جامع پیرامون موضوعاتی است که سیستم قضایی به شکل معمول توقع بررسی آنها را از متخصصان بالینی دارند. بنابراین مضامینی که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرند بسیار متنوع هستند و مواردی مثل تشخیص جنون و صلاحیت، اقدامات تعهدات حقوقی و مجازات‌ها، دادرسی‌های قیمومیت و انحصار وراثت، جرح بدنی، جبران‌های خسارت کارگران، مطالبات تامین اجتماعی، بزهکاری نوجوانان، قضاوت‌های مربوط به اهانت به منزلت اجتماعی، اختلافات مرتبط با حضانت و مسامحه، دعوی‌های تبعیض از سوی دولت فدرال و موضوعات «وارد کردن دانشجویان دارای اختلالات یادگیری در برنامه آموزشی عادی» را شامل می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

نظریات روانشناختی دربارهٔ رفتار مجرمانه در این زمینه عبارتند از:

نظریه ژان پنیاتل

یکی از نظریات دوران معاصر، نظریه ی ژان پنیاتل است، وی عقیده دارد ماهیت مجرمان با دیگران تفاوتی ندارد و تمامی افراد دارای هسته مرکزی شخصیت مجرمانه هستند که دارای چهار جنبه‌ی خود محوری، بی ثباتی، پرخاشگری و بی‌تفاوتی است که در مجرمان، بی‌تفاوتی در برابر سرزنش و ملامت، بی‌توجهی نسبت به قطعی بودن اعمال مجازات، عدم توجه به درد و رنج قربانی و زشتی ارتکاب جرم را می‌توان دید.[2]

نظریه هیجان خواهی زاکرمن

۱- کی نیا، مهدی . ۱۳۷۴ . **جرم‌شناسی**، مجتمع علمی فرهنگی مجد، تهران.ص ۷۴

۲- عابدینی،زین العابدین،۱۳۸۷،ویژگی‌های شخصیتی مجرمین خطرناک،مجله کارآگاه،شماره ۳۰،ص ۹۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

هیجان خواهی یک ویژگی شخصیتی است که اولین بار توسط ماروین زاکرمن، نظریه پرداز و زیست شناختی که متاثر از دیدگاه آیزنک بود مطرح شد. طبق تعریف زاکرمن هیجان خواهی یک ویژگی است که گرایش به جستجوی احساس‌ها و تجربه‌های جدید، تازه، پیچیده، شدید و میل به خطرجویی بدنی و اجتماعی فقط به خاطر تجربه را توصیف می‌کند.[1]

دیدگاه فروید در مورد شخصیت مجرمان

از نظر فروید، عصیانگران و افرادی که با جامعه در ستیزند ممکن است فراخود سخت و غیر قابل انعطافی داشته باشند و با عوامل محیطی نتوانند سازگار گردند، دسته‌ای از این افراد، دچار غمگینی یا پر خاشگری می‌شوند. چنین تعارضی که بین فراخود ومحیط بروز می‌کند، باعث جدال وکشمکش خارجی و محیطی می‌شود. تضاد ممکن است بین نهاد و فراخود و عوامل محیطی بوجود آید. در این صورت تمام سازمان شخصیت، دستخوش جدال خواهد شد چون هم جنگ داخلی و هم جنگ خارجی در شخصیت بوجود می‌آید و فرد هم با خود و هم با جامعه در نبرد است که این مسئله زمینه ساز جرم وجنایت در فرد می‌تواند باشد. از نظر فروید رفتارهای انسان برآیند دو غریزه زندگی و مرگ است، که غریزه زندگی برای درازترکردن زندگی کوشش می‌کند. از دیدگاه فروید تمام رفتار انسان از برهم کنش پیچیده غریزه زندگی و مرگ و تنش هماره میان آن دو سر چشمه می‌گیرد،اگر غریزه مرگ مهار نشود، به خود ویرانگری می‌انجامد[2]

نظریه عزت نفس و ارتکاب رفتارهای بزهکارانه

بر اساس مفاهیم مهم نظریه کاپلان، عزت نفس پایین شخص را مستعد ارتکاب به رفتارهای بزهکارانه می‌کند. مطالعات زیادی موید این مطلب است که رفتارهای ایجاد شده در طی ناسازگاری اجتماعی با عزت نفس پایین رابطه دارد.[3]

نظریه‌های رفتاری

این نظریه‌ها مبتنی بر یادگیری و روان‌شناسی رفتاری است، نظریه‌های رفتاری در رابطه با جرم، با اندیشمندانی چون ری و جفری و نیز رونالد آکرز شناخته می‌شوند. این نظریه‌ها در سال ۱۹۶۰ به اوج شهرت خود نائل گشتند. اکرز معتقد بود که روان‌شناسی قادر است به گونه‌ای موثر در جرم‌شناسی مورد استفاده قرار گیرد. طبق این نظریه، رفتار انسان در پی لذت جویی و منفعت طلبی شکل می‌گیرد. از این رو رفتارهای مجرمانه توسط تقویت‌های مادی و اجتماعی آموخته می‌شود. این نظریه عامل موثر در رفتار یک فرد بر روی محیط و به دنبال آن پیامدهای موثر بر روی فرد را بررسی وتبیین می‌نماید. بر پایه دیدگاه رفتار گرایی افراد تحت تا ثیر محیط پرورشی به حوزه جرم و جنایت وارد می‌شوند و از آنها رفتارهای خشونت‌آمیز سر می‌زند. از دید گاه بندورا، انسان‌ها به هم حمله می‌کنند چون از تجربه‌های گذشته، واکنش‌های خشونت‌آمیز را یاد گرفت اند. برای چنین کارهایی، پاداش‌های گوناگون انتظار دارند یا به دست می‌آورند، یا شرایط اجتماعی و پیرامونی ویژه‌ای آنها را یک راست به سوی کارهای خشونت آمیز می‌راند؛

---

[1]- مارشال ماریو،جان،۱۳۹۸،انگیزش و هیجان،ترجمه:یحیی سید محمدی،تهران،انتشارات ویرایش،ص۱۰۵.

[2]- برجعلی،احمد،عبدالملکی،سعید،پیشین ،صص ۵۳-۵۶.

[3]- انصاری نژاد،نصر الله،۱۳۹۱،تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۵، ص ۳۶۸.

۴- جیمز سادوک، بنجامین، آلکوت سادوک، ویرجینیا، روئیز،پدرو، ۱۳۹۸، خلاصه روان پزشکی، ترجمه: فرزین رضایی، تهران، انتشارات ارجمند، ص ۴۲۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مبادی تصوری پژوهش

ابزار روان‌شناسی جنایی

در روان‌شناسی جنایی از سه ابزار مهم استفاده می‌شود:

۱.مشاهده ۲. مصاحبه ۳. آزمون. بهترین و آسان ترین روش، روش مشاهده است. روان‌شناس خبره از طریق مشاهده متهم می‌تواند در یک برداشت، چشم انداز کلی از شخصیت و رفتار او به دست آورد. مصاحبه که به صورت شفاهی انجام می‌شود، می‌تواند در تشخیص جنبه‌های مختلف روانی و رفتاری فرد مجرم و همچنین پیشینه فردی و خانوادگی او بسیار موثر باشد. آزمون‌های روانی استاندارد شده که گسترده‌تر از دو ابزار بالاست و نتایج معتبرتری به دست می‌دهد، مورد استفاده بیشتری می‌باشد. بدون شک مهمترین ابزار هر روان‌شناسی آزمون‌های روانی است که معمول‌ترین آنها در این ارتباط به شرح زیر می‌باشد.

پرسشنامه شخصیت آیزنک: نسبت بین روان رنج وری و برون گرایی با میزان تحریک پذیری را اندازه گیری می‌کند.

آزمون‌های هوش و استعداد: هدف آن سنجش سطح هوشبهر و نوع استعداد و رابطه آن با بزه کاری می‌باشد.

آزمون‌های روانی حرکتی: مهارت‌های حرکتی و نحوه واکنش فرد نسبت به پدیده‌هایی چون خشونت و... را می‌سنجد.

آزمون‌های شناختی: قضاوت، حافظه، استدلال، احساس، ادراک، توجه و دقت و همچنین ارتباط ناهماهنگی شناختی با ارتکاب جرم را مشخص می‌کند.

آزمون‌های فرافکن: در امر جنایی آزمون‌های فرافکن به طور عموم به «پدیدارشناسی» ذهن مجرم و قضاوت منحصر به فرد و نگر ش خصوصی او نسبت به جهان پیرامون می‌پردازند و اینکه چه انگیزهایی غرایز ستیزه‌جو و عصیان‌گر فرد را رهبری می‌کنند.[۱]

حیطه و کاربرد مسئله روان‌شناسی جرم

با وجود این که روان‌شناسی جنایی یکی از شاخه‌های رشته روان‌شناسی است اما می‌توان آن را یک دانش میان رشته‌ای تلقی کرد. با این حال از دو جنبه قابل بررسی است، یکی از حیث گستره ارتباط آن با سایر علوم، همچون زیست شناسی، جرم‌شناسی، جامعه شناسی، روان پزشکی و آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی و دیگری از لحاظ دامنه کاربرد که در دادگاه‌ها، سازمان زندان‌ها، پلیس جنایی و پزشکی قانونی به کار می‌رود. انریکو فری[۲](۱۹۲۹– ۱۸۵٦) جرم شناس ایتالیایی به چند رشته جدید اشاره می‌کند که تا حدودی متمایز از روان‌شناسی جنایی هستند ولی به دلیل همسویی با یکدیگر زیر یک چتر قرار می‌گیرند، که عبارتند از روان‌شناسی قضایی (دادگاهی)، روان‌شناسی زندانبانی و روان‌شناسی قانونی. گرچه این چهار مفهوم تقریبا مترادف هم هستند، لیکن علاوه بر هدف مشترکی که با هم دارند هر کدام زمینه تخصصی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند؛ روان‌شناسی قضایی محدوده وسیع‌تر و وظایف بیشتری نسبت به بقیه دارد: شاکی، متهم، قاضی، وکیل مدافع، شاهدان عینی، هیئت منصفه، حضار و پیش از همه این‌ها بازجویی و بازپرسی از متهم را نیز در دستور کار خود دارد؛ به طوری که می‌توان گفت سه شاخه دیگر زیر مجموعه روان‌شناسی قضایی هستند.

۱- گورف، فرانسوا . ۱۳۸۲ . **روان‌شناسی قضایی**، دکتر محمد حسین سروری، انتشارات نگاه.ص ۸۵

۲- Enrico Ferri

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

روان‌شناسی جنایی بیشترین تمرکز و مطالعه خود را بر روی انگیزه ارتکاب جرم صرف می‌کند. روان‌شناسی زندانبانی به دلیل محکومیت مجرم، از او سلب آزادی می‌کند تا با نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت فرصت ویژه‌ای برای اصلاح و بازسازی در اختیار او قرار گیرد. روان‌شناسی قانونی صادرکننده حکم نهایی با در نظر گرفتن عوامل روان شناختی جرم و موقعیت فرد مجرم است.

روان‌شناسان با گرایش‌های مختلف، که در حیطه مسائل قضایی و جرم و جنایت فعالیت می‌کنند، روان‌شناس جنایی نامیده می‌شوند. کار روان‌شناس بالینی تشخیص و درمان مجرم است. روان‌شناس شخصیت به نقش اختلالات شخصیت و تیپ شخصیتی در ارتکاب جرم اشاره دارد. روان‌شناس تربیتی در پی اصلاح و بازسازی مجرم است و روان‌شناس اجتماعی تلاش می‌کند تا مجرم اصلاح شده را با جامعه آشتی داده و نحوه سازگاری با جامعه را به او آموزش دهد. بلک بارن[۱](۱۹۹٦) فعالیت روان‌شناسان جنایی را در یکی از سه دسته زیر تعریف می‌کند:

- پژوهش‌های روانی قضایی: مثل تحقیق درباره شاهدان عینی.
- جرم‌شناسی: برای مثال تحقیق درباره علل ارتکاب جرم و راه‌های مقابله با آن.
- ارائه شواهد و مدارک مستدل در دادگاه.

در واقع روان‌شناس جنایی با داده‌هایی که از طریق فعالیت در سه حوزه فوق به دست می‌آورد، نقش تسهیل‌کننده برای قضات دارد و غیرمستقیم در تصمیم‌گیری آنها مشارکت می‌جوید. پیناتل[۲](۱۹۷۵) در نگاهی موشکافانه رسالت روان‌شناسی کیفری را چنین تبیین می‌نماید: این علم اموری مانند هوش، نقش استعدادهای اجتماعی و طرز تلقی اخلاقی بزه کاران را با توسل به تست‌های روان‌شناسی تجربی بررسی می‌کند و در عین حال از منابع روان‌شناسی بالینی برای توجیه عمل جنایی و فرایندهای روانی که منجر به ارتکاب عمل می‌شود، استفاده می‌کند.[۳]

تبارشناسی رفتار جنایی

در یونان باستان ریشه ارتکاب جرم را به تقدیر و سرنوشت نسبت می‌دادند. اراده خدایان و نیروهای ماوراء طبیعی را در میل به انجام بزه دخیل می‌دانستند. فرد مجرم کسی قلمداد می‌شد که به دلیل خباثت درونی به چنین سرنوشتی گرفتار آمده است. بقراط، حکیم یونانی اعتقاد داشت بزهکاری زاییده جنون است. سقراط(٤٧٠ق.ق – ۳۹۹) جنایت را ناشی از «جهالت» می‌دانست. افلاطون(٤۲۸ق.م– ۲٤۷) ریشه جرم و جنایت را در فقر و تنگدستی یافت. یعنی به میزانی که « فقر و ثروت » فرد را وادار به رفتار جنایی می‌کند به همان اندازه ثروت و دارایی می‌تواند فرد را موجودی بزه کار و مجرم بسازد. ارسطو(۳۲۲–۳۸٤ق.م) «عواطف و هیجانات ناسازگار» را موجب گرایش به بزه می‌دانست.[٤] ادیان و مذاهب مختلف به طور عموم بر نقش غرایز انسانی و هواهای نفسانی تأکید دارند. همزمان با تحقیقات علمی

۱- Blackburn

۲- pinatel

۳- جیمزسادوک، بنجامین، آلکوت سادوک، ویرجینیا، روئیز، پدرو، ۱۳۹۸، خلاصه روانپزشکی، ترجمه: فرزین رضایی، تهران، انتشارات ارجمند، ص ۳۲

۴- دیناروند راد، علی، عسگری، محمد، نورالدینی، سید هاشم، ۱۳۹۴، جنون در مراحل رسیدگی کیفری، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، موسسه آموزشی مس رایان پیشرو. ص ۷۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دیدگاه‌های متفاوتی رجع به پدیده جرم و مجرم ارائه شده.[1] برای نمونه می‌توان به تحقیقات فرانتز ژرف گال (۱۷۵۸-۱۸۲۸) پزشک اتریشی اشاره کرد که با تحقیق بر روی جمجمه افرد مجرم و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیات، جمجمه ناموزون را علت ارتکا جرم از حیث روانی، قلمداد می‌نمود. اما آغازگر اصلی تحقیق درباره جرم و مجرم سزار لمبروزو(۱۹۰۹-۱۸۳۵) روانپزشک ایتالیایی بود که با انتشار کتاب مشهود خود به نام «انسان جنایتکار» و ارائه نظریه «مجرم مادرزاد» تحولی بزرگ در حیطه جرم‌شناسی پدید آورد که در پی آن نظریات گوناگونی درباره خاستگاه جرم و مجرم ارائه شد.

ماهیت جرم اعمال مجرمانه

لنیل، لاواستین و استانسیو[2](۱۹۵۰) جرم‌شناسی را در قلمرو روان‌شناسی تعریف کرده‌اند و آن را مرتبط به علم روان‌شناسی دانسته اند. انریکو فری (۱۸۸۱) به نقش عوامل ترکیبی در بزه کاری اشاره می‌کند و جرم را معلول عوامل زیستی روانی و اجتماعی می‌داند. عوامل زیستی هم چون زیست شیمی بدن و سیستم مغز و اعصاب بزه کار؛ عوامل روانی همچون اختلالات شخصیت و خلق متلون و ناپایدار و اجتماعی هم چون محیط جغرافیایی و طبقه اجتماعی به ویژه جامعه‌هایی با طبقه فرهنگی و اقتصادی پایین بستر لازم جهت ارتکاب بزه را فراهم می‌سازند. از منظر نظریه رفتارگرایی جرم یک محرک و مجرم یک پاسخ است، به عبارت بهتر قربانی یا بزه دیده در جایگاه محرک و زمینه ساز شکل‌گیری جرم و رفتار مجرم یا بزه‌کار در جایگاه پاسخ به محرک قرار دارد. از دیدگاه آسیب شناسی اجتماعی بزه‌کاری به منزله ناسازگاری فرد با جامعه است و کسی که رفتارش خلاف مصالح اجتماعی باشد و به سلامت روان جامعه آسیب بزند مجرم شناخته می‌شود. از دیدگاه روان تحلیلی بر نقش انگیزه‌های ناخودآگاه دوران کودکی تأکید می‌شود. طبق دیدگاه یونگ (۱۹۲۰) انسان دارای دو ناخودآگاه است یکی ناخودآگاه جمعی و دیگری ناخوآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی از پیشینیان به ارث برده می‌شود و شامل همه خاطرات و یادبودهای دوران گذشته است و ناخودآگاه شخصی شامل تجربیات و یادگیری‌های فرد در طول زندگی اش می‌باشد. براساس این دیدگاه هر انسانی استعداد ارتکاب خطا را دارد چرا که اگر نظری به گذشته انسان بیفکنیم اولین جرم را آدم و حوا مرتکب شدند که با سرپیچی از فرمان الهی بذر عصیان علیه وضع موجود را کاشتند. جرم مفهومی نسبی است بدین معنا که تلقی‌های گوناگونی از آن وجود دارد و وابسته به فرهنگ، ایدئولوژی و نظام سیاسی حاکم بر جامعه است. ممکن است در جامعه‌ای عملی جرم تلقی شود، اما در جامعه‌ای دیگر همان عمل موجه و مورد تأیید باشد. با این حال در همه جوامع مساله‌ای به نام جرم وجود دارد که پیگیری قانونی می‌شود.[3]

انعکاس رویکردهای روان‌شناسی جرم در چارچوب قوانین ایران

یکی از آفت‌های جرم‌شناسی و نظریه‌های آن، مطلق انگاریِ واضعان نظریه‌های جرم‌شناسی از یک سو و نسبی بودن این تئوری‌ها در عمل از سوی دیگر است. از این رو شناخت چرایی رفتار مجرمان از سوی انسان از جنبه‌های مختلف باید مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. با وجود این، علمی کردن واکنش اجتماعی، یکی از آورده‌های جرم‌شناسی

۱-عابدینی، زین العابدین، ۱۳۸۷، ویژگی‌های شخصیتی مجرمین خطرناک، مجله کارآگاه، شماره ۳۰، ص ۹۸.

۲- Lavastine et V.Stanciu

۳- گورف، فرانسوا . ۱۳۸۲ . **روان‌شناسی قضایی**، دکتر محمد حسین سروری، انتشارات نگاه.ص ۸۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بالینی است. در جرم‌شناسی بالینی یا درمانگاهی، مجرم از نظر پزشکی و روانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مطالعه بعد از ارتکاب جرم آغاز می‌شود و نتایج آن هم در مرحله دادرسی و صدور حکم برای اتخاذ تصمیمی مناسب‌تر درباره متهم اعمال می‌شود و هم در مرحله پَسادادرسی یعنی مرحله اجرای احکام برای تأثیر مطلوب مجازات در روند بهبود محکومٌ‌علیه اعمال می‌شود.

قانون اساسی ایران هم به جرم‌شناسی بالینی اشاره کرده است. بند ۵ اصل ۱۵٦ در شرح وظایف قوه قضاییه مقرر داشته «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» که قسمت اول جرم‌شناسی پیشگیرانه است و قسمت دوم جرم‌شناسی بالینی است که در زندان انجام می‌شود.

در قوانین موضوعه کیفری نیز به عامل شخصیت توجه شده است؛ مثلا ماده ٦٤ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ بیان داشته «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود.» یا در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از مواردی که به موجب ماده ۲۷۹ در کیفرخواست قید می‌شود «خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم » است. همچنین در تبصره ۲ ماده ۵۱۳ همین قانون مقرر شده «به جز مواردی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت‌شان، بر اساس تصمیم شورای طبقه بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند. همچنین در سالیان اخیر از بطن روان‌شناسی جنایی سه رشته جدید نیز ظهور کرده است.

روان‌شناسی قضایی: که به مطالعه رفتار حاضرین در فرایند دادرسی اعم از جلسات دادسرا و دادگاه یعنی شکات، شهود، متهمان و تماشاگران می‌پردازد که هدف از تأسیس این رشته بهبود فضا و طراحی داخلی جلسات دادگاه و همچنین مدیریت جلسات محاکمه می‌باشد.

روان‌شناسی قانونی: که مربوط به فرآیند صدور حکم نهایی است که با توجه به پرونده شخصیت متهم، قاضی مربوطه این معیار را یعنی گزارش پزشکی گزارش مددکار اجتماعی و گزارش روانپزشک را در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات اعمال می‌کند.

مقنن ایران نیز از آورده‌های این رشته بی‌تأثیر نبوده است؛ ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: «در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنیٌ علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است:

الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم

ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

همچنین مطابق ماده ۲۷۹ همین قانون، یکی از مواردی که بایستی در کیفرخواست ذکر شود خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم است.بر همین منوال در ماده ۲۸٦ قانون یاد شده آمده که علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳) این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

روان‌شناسی زندانها: که علم مطالعه برنامه‌های اصلاح و درمان محکومین و آماده کردن آنها برای آشتی مجدد با جامعه است. در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸٤/۹/۲۰ مرکزی پیش بینی شده، تحت عنوان مراقبت بعد از خروج؛ این واحد، مکلف است دو ماه قبل از اتمام دوره حبس محکومٌ‌علیه، وضعیت اجتماعی و مادی او را برای بازگشت مطلوب وی به محیط زندگی فراهم کند.همچنین بعد از اتمام دوره حبس، مددکاران این مرکز مکلفند حداقل تا سه ماه، ارتباط خود را با محکومٌ علیه حفظ نمایند و از او حمایت مادی و معنوی به عمل آورند.[۱]

تراکم پرونده‌های کیفری و تورم عناوین مجرمانه در قوانین ایران

لازمهٔ بررسی ابعاد گوناگون شخصیت متهم یا مجرم توسط متخصصان و ارائهٔ گزارش مطالعات و بررسی‌هابه مقام قضایی، اعطای زمان مناسب و کافی به کارشناسان مربوط و قضات است. این شرایط زمانی مهیا می‌شود که آمار پرونده‌های ارجاعی به مقامات قضایی زیاد نباشد تا وی بتواند با آسودگی خاطر، دلایل و مدارک را جمع‌آوری کرده و متهم یا مجرم را شناسایی کند. نتیجهٔ ارجاع بیشتر پرونده، گرفتن زمان از قاضی رسیدگی کننده و تبدیل وی به ماشین صدور رأی است؛ زیرا قاضی مجبور خواهد بود در مدت زمان اندک به پرونده‌های بیشتری رسیدگی و تصمیم‌گیری کند و همین امر مانع تشکیل پروندهٔ شخصیت و مانع تجزیه و تحلیل شخصیت متهم خواهد بود.[۲]

از نظر قضات، بسترهای موجود در دستگاه قضایی و آثار غیرقابل انکار آنها، موجب می‌شود تا مجازات حبس به مراتب مطلوبتر و خوشایندتر از نهادهای حبس زدا باشد. آنان، حجم بالای پرونده‌ها و کمی‌گرایی را از مهمترین بسترهای موصوف برشمردند که در واقع دو چالش به هم پیوسته و مرتبط با یکدیگر که به یکی از مهمترین دغدغه‌های قضات تبدیل شده اند. قاضی‌ای که باید دادرسی عادلانه و قناعت وجدان، تنها دغدغه اش باشد، بیشتر نگران مثبت بودن آمار رسیدگی‌هایش است و این سیاست، همچون تیغی بر پای قضات، مجال راه رفتن در مسیر عدالت منصفانه را از آنان گرفته است.[۳] کاهش دقت در رسیدگی‌ها، استرس زا شدن قضاوت، افزایش اشتباهات قضایی و بسیاری از معضلات دیگر، تنها گوشه‌ای از مصائب ناگوار بسترهای مورد بحث می‌باشند.

کمرنگ دیدن واقعیت‌ها و ضعف زیرساخت‌ها در چارچوب قضایی ایران

لازمه تشکیل پروندهٔ شناسایی شخصیت، وجود امکانات مالی است. دستگاه اجرایی باید بودجهٔ مناسب برای اجرای این طرح تخصیص دهد تا در کنار پروندهٔ قضایی، پروندهٔ شخصیت که محتوای آن گزارش نتیجهٔ آزمایش‌های گوناگون پزشکی، روان‌شناسی، روانپزشکی و مددکاری اجتماعی و جز آن است، تشکیل شود. اعمال نهادهای مترقی حقوق

۱- برجعلی، احمد، عبدالملکی، سعید، ۱۳۹۰، روان‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ص۲.

۲- ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اس نیپس، جفری.۱۳۹۳. جرم شناسی نظری، علی شجاعی، انتشارات سمت.چاپ جهارم. ص ۴۳

۳- طهماسبی، جواد، فتحی، حجت الله، ۱۳۹۵، دادرسی کیفری و عارض شدن جنون پس از ارتکاب جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ص ۶۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

جزا و جرم‌شناسی از جمله تعلیق تعقیب، تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط، مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی، زندان باز، زندان نیمه باز، مجازات‌های جایگزین حبس و تشکیل پروندهٔ شناسایی شخصیت در مراحل دادرسی نیاز به امکانات مالی وسیع دارد.[1] به کارگیری متخصصان جرم‌شناسی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، روانپزشکی و جز آن، برای بررسی ابعاد شخصیتی بزهکار و استخدام آنها تنها با صرف منابع مالی کافی امکان‌پذیر است.[2]

طبق نظر اندیشندان حقوقی، وقتی مددکار اجتماعی به تعداد لازم در دسترس قاضی رسیدگی کننده به پرونده نباشد و جرم شناس، روانشناس، روانپزشک و جز آن در کنار قاضی قرار نگیرد و متهم یا مجرم برای بررسی در اختیار کارشناس گذاشته نشود، صحبت ازتشکیل پروندهٔ شخصیت آرمانی خواهد بود. امروزه در صورت تأمین هزینه‌های مالی از ناحیهٔ قوهٔ مجریه نیز، در تشکیل پروندهٔ شخصیت با مشکلاتی مواجهیم. زیرا کمبود متخصصان امر و فقدان همهٔ تخصصها برای اجرای طرح در سراسر کشور از موانع تشکیل است.صرف نظر از آن، برای شناسایی جنبه‌های گوناگون شخصیت متهمان و مجرمان، وجود آزمایشگاه‌های مجهز به فناوری پیشرفته و روز ضروری است.[3]

نتیجه‌گیری

براساس مطالب مطروحه، اکنون می‌توان اینگونه استنتاج کرد که کار روان‌شناسان جنایی معمولاً یافتن روش‌هایی برای پیشگیری از جنایت دوباره مجرمین باسابقه یا جنایتکاران دارای اختلال روان است. از وظایف دیگر این گونه روان‌شناسان، تهیه کردن پرونده‌های روان‌شناختی برای بزهکاران باسابقه و پرسابقه و بررسی دلایل روحی و روانی این جنایت‌ها است. در مجموع باید خاطرنشان ساخت که بزهکاری یا «پدیده مجرمانه» عارضه‌ای است که جامعه بشری را در مقاطع مختلف تاریخ تهدید کرده، سلامت و امنیت اجتماعی را که زیربنای سعادت و کامیابی اجتماعی است، مخدوش نموده است. بدین سان، حکومت‌ها همواره در تلاش برای تحلیل بزهکاری با هدف کاهش نرخ ارتکاب جرم در جامعه بوده‌اند. در این راستا از جنبه‌های گوناگون به تحلیل پدیده مجرمانه پرداخته شده است. از یک منظر ریشه عمده رفتارهای جنایی، در محیط اجتماعی افراد دوانیده شده است و از سویی برخی جرم‌شناسان ریشه بزهکاری را در شخصیت مرتکبین جستجو می‌نمایند. چالش میان طرفداران محیط اجتماعی و شخصیت مرتکبین به عنوان عوامل اصلی تکوین پدیده مجرمانه همچنان ادامه دارد.

همچنین در خصوص مفهوم شخصیت و شخصیت مجرمانه و جایگاه آن در جرم‌شناسی می‌توان نتیجه گرفت که از نظر فلسفی مجموعه نفسانیات هر کسی شخصیت او را تشکیل می‌دهد ولی در منظر عامه، شخصیت اشخاص در نتیجه ظهور و بروز صفت خاصی مشخص و تعیین می‌گردد. مثلاً کسی که شمّ قوی در امور سیاسی داشته باشد شخصیت سیاسی نامیده شده و اگر عالم و دانشمند باشد به عنوان شخصیت علمی از وی نام می‌برند و چون در روان‌شناسی ثابت شده است که نفسانیات و صفات جسمانی در همدیگر اثر دارند لذا برای معرفی کامل شخصیت هر فردی باید صفات جسمانی و خصوصیات روحی و اخلاقی او را بررسی نمود. از طرفی برای مطالعه صفات جسمی و خصال روحی اشخاص باید از روش معمول در علوم طبیعی یعنی از مشاهده و تجربه استفاده نمود زیرا حقیقت نفسانیات مانند خود نفس غیر قابل شناخت و مجهول است و فقط از آثار آنها می‌توان به وجودشان پی برد.

۱- رستمی تبریزی، لمیاء، ۱۳۹۳، روان‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات مجد، صص ۱۶-۱۳.

۲- جودکی، بهزاد، عباسی، محمود، ۱۳۹۳، اجرای احکام کیفری نسبت به مجنون در حقوق کیفری ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۲۹، ص ۱۱

۳- جوانمرد، بهروز، ۱۳۹۴، از روان‌شناسی تا روان‌شناسی جنایی، پایگاه خبری و تحلیلی سیمرغ عدالت، ص ۴۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اما از طرفی دیگر کیفیات نفسانی هر کسی منحصر به خود او بوده و تشکیل یک سلسله واحدی را می‌دهند که در اصطلاح روانشناسی آن را وحدت گویند و این وحدت در طول زمان محفوظ مانده و هویت شخص را نشان می‌دهد. بدین سان، از منظر روان‌شناسی شخصیت هر فرد عبارت است از کلیه خصائص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی یا اکتسابی که او را به طور آشکار از دیگران متمایز می‌کند. امروزه می‌توان گفت که رشد و تکامل شخصیت هر فرد نتیجه همکاری و تعامل همه عوامل شخصی و طبیعی نظیر وراثت، هوش، غدد درون ریز، بدن و عوامل اجتماعی نظیر محیط خانواده، مدرسه، جامعه و اخیراً محیط‌های مجازی نظیر شبکه‌های اجتماعی است. اما اصطلاح شخصیت در میان مکاتب جرم‌شناسی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که مکتب تحققی شخصیت را در مفهوم جسمانی و روانی گرفته است و هر گونه تحولی را در آن وابسته به دگرگونی هایی می‌داند که در جسم و روان فرد حاصل می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت از منظر این مکتب، شخصیت به «ساختمان زیستی روانی فرد و یا مجموع عوامل داخلی و فردی نه انضمام عوامل اجتماعی» گفته می‌شود.

ارائه تعریفی از «شخصیت مجرمانه» امر سهلی به نظر نمی‌رسد چراکه وقتی وصف مجرمانه به شخصیت اضافه می‌شود شخصیت مجرمانه به یک نوع و نمونه انسان شناختی و ثابت مانند مجرم مادرزادی لمبروزو، باز نمی‌گردد. مفهوم شخصیت از یک سو تفاوت ماهوی میان بزه کار و غیر بزه کار را می‌پذیرد و از سوی دیگر به این موضوع توجه دارد که شخصیت انسان، پویا و تا حدودی متحول است. لذا برای شخصیت مجرمانه نمی‌توان تعریف خاصی را عنوان کرد و نمی‌توان گفت جنایتکار، نمونه انسانی مخصوصی است چون جنایتکار هم به زعم برخی جرم شناسان نوین، انسانی است مثل سایر انسان‌ها و تبه‌کاری به طور کلی پدیده‌ای است اجتماعی و تعریف آن به همان اندازه مشکل است که تعریف یک شخص متقی و پاکدامن. زیرا پیدا کردن صفات روانی که معرف شخصیت مجرمانه باشد از نظر اینکه صفات و خلصت درجات شدت و ضعف دارند غیر ممکن است وکشف تعامل کلیه‌ی صفات در تشکل و ارکان شخصیت مجرمانه بسیار قابل بحث است و در نتیجه وجود شخصیت مجرمانه به علت نااستواری و سستی نتایج و اشتراکات روانی در مورد بزه کاران مختلف منتفی است. بدین سان، بسیاری از روان‌شناسان علل رفتار جنایی را بر حسب نقص شخصیت مجرم توجیه می‌کنند. آنان بر این باورند که برخی از گونه‌های شخصیت بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند و در واقع آنان رفتار جنایی را بیش از آنکه به ژن‌های غیرعادی نسبت دهند به تجربه‌های نابهنجار دوران کودکی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی اوست است، می‌دانند. به علاوه اظهار می‌دارند روان مغشوش و گرفتار موجب رفتار انحرافی می‌گردد. هر چند برخی از جرم شناسان معتقدند با وجود اینکه روان‌شناسی و روشهای آن به ویژه در قلمرو روان‌شناسی بالینی در شناخت عمل مجرمانه مفید است اما کافی نیست و باید جستجو را در سطوح دیگر مانند « پدیده شناسی یا پدیدار شناسی» ادامه داد. به علاوه تحقیقات علمی در زمینه روان مجرمین نشان می‌دهد که بسیاری از بزهکاران که از کمبود هوش و فقدان ساختمان روانی، استقرار یافته رنج می‌برند. ممکن است در میان مجرمین افرادی باهوش بالا نیز دیده شود امّا اختلالات هوشی را در قالب بزهکاران می‌توان دید و اختلالات روانی زمینه‌های مساعدی را برای تشکیل شخصیت مجرمانه بوجود می‌آورند. اما مهمترین چیزی که در بررسی شخصیت مجرمانه افراد به عنوان شخصیت جنایی می‌توان به آن توجه داشت در حقیقت باورهای غلطی است که در نهاد شخص مجرم نهفته شده است که باعث می‌شود تا وی بر اساس لذت‌جویی و خواسته‌هایی که برگرفته از نهاد اوست میل به ارتکاب جرم پیدا کند و انگیزه هایی را که از نظر مادی برای خود

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ترسیم کرده به مرحله ظهور و بروز برساند. به عبارت دیگر، شخص بزهکار مکرر همه چیز را بر اساس معیار شخصی خودش بررسی می‌کند و در محاسباتش افراد دیگر را لحاظ نمی‌کند. معیار اخلاقی خود اوست و این خود است و خود او است که به عمل مجرمانه مشروعیت می‌دهد، قضاوت دیگران یا قانون در ملاحظات او دخیل نیستند. یک مجرم مکرر، نوعی بی‌ثباتی در رفتار و منش خود دارد و نوعی بی‌سازمانی در او دیده می‌شود به طوری که چنین شخصی ناتوان از پیش بینی مجازات برای عمل ارتکابی خود می‌باشد. پرخاشگر، بی‌ترحم و نسبت به حالات بزه دیده بی‌تفاوت است. لیک، آنچه از مستندات، آرا و نظریات مترتب بر رواشنانسی جرم و اثر و انعکاس آن در قوانین و مقررات نظم حقوقی ایران برمی‌آید این است که قانونگذار نه به صورت اکید و صفر تا صدی، بلکه به نسبت به بافت حقوق موضوعه و همچنین جامعه شناختی حاصل از فضای وقوع جرم در ایران، برداشت‌های نسبتاً متعددی از تئوری‌های مربوط به روان‌شناسی جرم، در کنه و بطن قوانین مربوط به جرم، مجازات و دیدگاه قانونگذار نسبت به انواع مرتکبین به جرم، اخذ و نهادینه شده است.

پیشنهادات پژوهشگر

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد که:

- برای تصویب قوانین زندان زدا، بر ویژگی‌ها، استعدادها، قابلیت‌هاو زیرساخت‌های کشور، توجه و تمرکز شود و از قانونگذاری شتابزده و مقلدانه در این زمینه خودداری گردد. هم سویی و هماهنگی قوای سه گانه، یکی از بایسته‌های ضروری زندان زدایی است. لذا اتخاذ تدابیر لازم برای تحصیل این اصل ضروری قبل از تصویب قانون، لازم می‌باشد.
- استفاده از کارگروه ویژه روانشناسان زبده کشور برای توجیه قضات در استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی در هنگام صدور رای و مکلف شدن قضات به تکمیل پرونده شخصیت متهم یا مجرم در همه مراحل دادرسی تا انشای رای.
- دادگاه‌ها با استفاده از نظر مشورتی مشاورانِ روانشناس و جامعه‌شناس با توجه به شرایط شخصیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی مجرم جایگزین حبسِ مناسبی را انتخاب نمایند به گونه‌ای که انتخاب مجازاتها به صورت مطلق و کلی صورت نگیرد.

منابع

انصاری نژاد،نصر الله،۱۳۹۱،تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۵.

برجعلی، احمد، عبدالملکی، سعید، ۱۳۹۰، روان‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

جوانمرد، بهروز، ۱۳۹۴، از روان‌شناسی تا روان‌شناسی جنایی، پایگاه خبری و تحلیلی سیمرغ عدالت.

جودکی، بهزاد، عباسی، محمود، ۱۳۹۳، اجرای احکام کیفری نسبت به مجنون در حقوق کیفری ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۲۹.

جیمزسادوک، بنجامین، آلکوت سادوک، ویرجینیا، روئیز، پدرو، ۱۳۹۸، خلاصه روانپزشکی، ترجمه: فرزین رضایی، تهران، انتشارات ارجمند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دیناروند راد، علی، عسگری، محمد، نورالدینی، سید هاشم، ۱۳۹۴، جنون در مراحل رسیدگی کیفری، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، موسسه آموزشی مس رایان پیشرو.
رستمی تبریزی، لمیاء، ۱۳۹۳، روان‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات مجد.
طهماسبی، جواد، فتحی، حجت الله، ۱۳۹۵، دادرسی کیفری و عارض شدن جنون پس از ارتکاب جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
عابدینی،زین العابدین،۱۳۸۷،ویژگی‌های شخصیتی مجرمین خطرناک،مجله کارآگاه،شماره ۳۰.
کی نیا، مهدی .۱۳۷۴ . جرم‌شناسی، مجتمع علمی فرهنگی مجد، تهران.
کی نیا، مهدی ۱۳۸۱ ، روان‌شناسی جنایی، جلد ۱و ۲، انتشارات رشد.
گنجی، مهدی. دکتر حمزه گنجی، ۱۳۸۳ زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد. ویراستار.
گورف، فرانسوا . ۱۳۸۲ . روان‌شناسی قضایی، دکتر محمد حسین سروری، انتشارات نگاه.
مارشال ماریو،جان،۱۳۹۸،انگیزش و هیجان،ترجمه:یحیی سید محمدی،تهران،انتشارات ویرایش.
منصور، محمود ۱۳۵۶ ، زمینه بررسی بزه کاری کودکان و نوجوانان، نشر مهر، تهران.
نجفی ابرند آبادی، علی حسین . ۱۳۷۷ . دانشنامه جرم‌شناسی، موسسه گنج دانش، تهران
ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اس نیپس، جفری.۱۳۹۳. جرم شناسی نظری، علی شجاعی، انتشارات سمت.چاپ جهارم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

Reflecting the Thoughts of Crime and Criminal Psychology on Criminal Behavior in Judicial Procedure

Neda Gholampour[1]

Abstract

Basically, criminal psychology is the science of studying the personality of criminals as well as their resocialization methods and examining the role of the environment (in a general sense) on criminal behavior. Due to the importance of the subject, the current research has been written in the form of analytical-descriptive research methodology with the aim of investigating the reflection of the thoughts of crime and criminal psychology on criminal behavior in judicial procedure. The findings extracted from this picture, which was drawn based on the research of library studies, indicate that in the framework of the judicial processes and the issuance of sentences in the current era, we need competent judicial authorities to examine the roots of the psychology of crime when examining judicial cases with Follow more deeply. Because this category is a very important element to the extent that it can sometimes lead the way of the case and proceedings towards more realistic handling and more justice in the judicial system. It may be that in recent years, a relatively reflection of criminological approaches centered on the psychology of crime has been noticeable in the judicial dictionary of the country, but it is not enough. So, it can be concluded that psychological factors have a great impact on the commission of a crime, and this causes the connection of criminal law with the science of criminal or criminal psychology. It should be said that the most important thing that is evident in the study of the criminal personality of people is the wrong beliefs that are hidden in the institution of the criminal person, which causes him to find a desire to commit a crime based on the pleasure-seeking and desires that are derived from his institution, and the motivations that are materially Draw for yourself and bring it to the emergence stage. In fact, a repeat offender examines everything based on his personal criteria and does not include other people in his calculations. His moral standard is his own and it is he who gave legitimacy to the criminal act, while the judgment of others or the law are not included in his considerations.

Keywords: Criminal Psychology, Criminal Behavior, Personality File, Correction And Treatment

1 Master of Laws, Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, Golbahar Branch, Razavi Khorasan, Iran (Responsible Author)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]